گزارش

Doe I v. Sabeti: دادگاه آمریکا حکم داد پرونده ایرانیان شکنجه‌دیده می‌تواند پیش برود

خلاصه

در ۶ اکتبر ۲۰۲۶، یک دادگاه فدرال آمریکا در فلوریدا حکم داد که دعوای سه ایرانی شکنجه‌دیده علیه پرویز ثابتی، از مقامات ارشد سابق ساواک — سازمان اطلاعاتو امنیت ایران در دوران شاه — می‌تواند ادامه یابد. ثابتی استدلال کرده بود که شاکیان برای طرح دعوای خود بیش از حد تأخیر کرده‌اند. دادگاه این استدلال را رد کرد و به این نتیجه رسید که شاکیان دعوای خود را به‌موقع مطرح کرده‌اند، زیرا نمی‌توانستند زودتر و در شرایطی امن پا پیش بگذارند. دادگاه همچنین تصریح کرد که پنهان‌کاری پرویز ثابتی، صرف نظر از ترس شاکیان از انتقام‌جویی، به‌تنهایی برای تمدید مهلت اقامه دعوا کافی بوده است. پرونده اکنون برای رسیدگی به ادعاهای شکنجه مطرح شده از سوی شاکیان پیش خواهد رفت.

دربارهٔ پرونده

در فوریهٔ ۲۰۲۵، سه فرد شکنجه‌دیده در یک دادگاه آمریکا علیه ثابتی اقامه دعوا کردند. آنان برای حفظ امنیت خود از نام‌های واقعی‌شان استفاده نمی‌کنند و با نام‌های جان دو یکم، دوم و سوم شناخته می‌شوند. آنان ادعا می‌کنند که در دهه ۱۹۷۰ در چارچوب نظامی از سرکوب سیاسی که ثابتی طراحی کرده و بر آن نظارت داشت، بازداشت و شکنجه شدند. به ادعای آنان، ثابتی در آن زمان معاون ساواک، سازمان اطلاعات شاه، بود و همچنین گفته می‌شود ریاست اداره امنیت داخلی ساواک و *کمیتهٔ مشترک* (کمیته مشترک ضدخرابکاری) را بر عهده داشت.

شکنجه‌دیدگان دعوای خود را بر اساس قانونی در آمریکا به نام قانون حمایت از قربانیان شکنجه (TVPA) اقامه کرده‌اند. این قانون به افرادی که در کشوری دیگر مورد شکنجه قرار گرفته‌اند اجازه می‌دهد در دادگاه‌های آمریکا به دنبال عدالت باشند. این قانون عموما شکنجه‌دیدگان را ملزم می‌کند ظرف ده سال اقامه دعوا کنند، اما این مهلت را می‌توان در مواردی که شکنجه‌دیدگان با موانع استثنایی، مانند خطر جانی، روبه‌رو هستند تمدید کرد. ثابتی استدلال کرد که شاکیان این مهلت را از دست داده‌اند. حکم صادره تنها درباره موضوع به‌موقع بودن طرح دعواست. دادگاه هنوز تصمیم نگرفته است که آیا ثابتی مسئول شکنجه است یا نه. به این موضوع در مرحله بعدی پرونده رسیدگی خواهد شد.

یافته‌های دادگاه

1. **سرکوب بی‌پایان در ایران.** در کشورهای دیگر، شکنجه‌دیدگان توانسته‌اند پس از سقوط نظام‌های استبدادی و روی کار آمدن دولت‌های دموکراتیک به دنبال عدالت باشند. دادگاه اعلام کرد که این امر هرگز در ایران رخ نداده است. به تعبیر دادگاه: «دو رژیم استبدادی با وجوه همپوشان از زمان شکنجه [بازماندگان] در حدود پنجاه سال پیش در ایران در قدرت بوده‌اند» و ایران «هرگز به یک حساب‌رسی دموکراتیک» در قبال جنایاتی که ثابتی به آن‌ها متهم است «نپرداخته است».
2. **حکومت شاه و جمهوری اسلامی زنجیره‌ای پیوسته از سرکوب را تشکیل می‌دهند.** دادگاه تصریح کرد که بازماندگان «از سوی هر دو رژیم آزار دیده و از دسترسی به عدالت محروم شده‌اند». دادگاه همچنین تأکید کرد که جمهوری اسلامی میراث سرکوب ساواک را بسط داده و «قریب به یقین به مراتب از آن فراتر رفته است».
3. **ساواک پس از انقلاب از میان نرفت: به ساواما تبدیل شد.** دادگاه به شواهد محکمی اشاره کرد که جمهوری اسلامی ساواک را در اختیار گرفت و آن را به سازمان اطلاعاتی خودش، ساواما، با ساختاری مشابه و با برخی از همان کارکنان تبدیل کرد. هرچند برخی پژوهشگران جنبشی را که به حکومت شاه پایان داد «انقلابی علیه شکنجه» نامیده‌اند، جمهوری اسلامی «بی‌درنگ» استفاده از ابزارهای سرکوب ساواک را برای مقاصد خود آغاز کرد. به توضیح دادگاه، «دست‌کم در نگاه مردم ایران، ساواما به‌سرعت شهرت و مأموریت ساواک را به خود گرفت و در سرکوب بی‌امان مخالفان داخلی تاکتیک‌های مشابهی به کار برد.»
4. **حکم دادگاه تاریخ موارد نقض حقوق بشر توسط ساواک را بازگو می‌کند.** این حکم با تکیه بر گزارش یک تاریخ‌دان کارشناس، *کمیتهٔ مشترک* را دارای شهرتی بدنام به‌عنوان «کانون شکنجه و بی‌رحمی» توصیف می‌کند. در حکم دادگاه آمده است که «فعالان، روشنفکران، هنرمندان و دیگر مخالفان در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط ساواک و کمیته [مشترک ضدخرابکاری] زندانی شده و مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند»، و هیچ راهی برای اعتراض به شکنجه ساواک در دادگاه‌های شاه وجود نداشت.
5. **ترس شاکیان از انتقام‌جویی موجه بوده و همچنان پابرجاست.** دادگاه اعلام کرد که شاکیان به دلایل موجهی برای امنیت خود بیمناک بوده‌اند و از جمهوری اسلامی، با توجه به سابقه هدف قرار دادن منتقدان در خارج از کشور؛ از خود ثابتی؛ و از حامیان او و دیگر عوامل خصمانه در جامعه ایرانیان خارج از کشور واهمه داشته‌اند. به تعبیر دادگاه، شاکیان «هرگاه و هرجا که کوشیده‌اند حقوق خود را پیگیری کنند، با تهدیدهای پیوسته علیه امنیت خود روبه‌رو بوده‌اند — نخست در دوران شاه، سپس [جمهوری اسلامی]، و تا به امروز.» از آنجا که این خطرات هرگز پایان نیافته، دادگاه حکم داد که شاکیان دعوای خود را به‌موقع طرح کرده‌اند.

6. **بازماندگان هر آنچه از آنان انتظار می‌رفت انجام دادند.** ثابتی استدلال کرد که خواهان‌ها باید زودتر به دنبال او می‌گشتند. دادگاه این استدلال را نپذیرفت. دادگاه تصریح کرد که بازماندگان به‌عنوان پناهنده به ایالات متحده آمدند و «هنوز در اینجا احساس امنیت نمی‌کنند». بازماندگان در سال میلادی ۲۰۲۳ دریافتند که ثابتی در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کند و کمتر از دو سال بعد، دعوای خود را اقامه کردند. به گفته دادگاه، «شاکیان، که اکنون در دهه‌های هفتاد و هشتاد زندگی خود هستند، به این نتیجه رسیدند که این شاید تنها فرصت آنان برای پیگیری عدالت در قبال شکایات‌شان باشد و از این رو مصمم شدند خطرهای مرگباری را که تصمیمشان برای طرح این دعوا به همراه داشت بپذیرند.

7. **ثابتی برای پنهان کردن خود اقداماتی انجام داد، به‌گونه‌ای که بازماندگان تا سال میلادی ۲۰۲۳ نمی‌دانستند او کجاست.** دادگاه اعلام کرد که این امر خود دلیلی مستقل برای تمدید مهلت طرح دعوا از سوی دادگاه بوده است.

دلایل شکنجه‌دیدگان برای قدم پیش گذاشتن در این زمان

حکم دادگاه بخش‌هایی از شهادت شاکیان را درباره دلایل آنان برای پیش‌قدم شدن و طرح این دعوا نقل می‌کند:

> *«مردم ایران باید بدانند که چه بر سر نسل من آمد، و این بخشی از تاریخ ماست.»* **— جان دو یکم**
>
> *«این برای خود من نیست — به خاطر فرزندان شماست... [طرح این دعوا] برای خانواده‌ام، همسایگانم، هموطنانم است.»* **— جان دو یکم**
>
> *«...این فرصتی است که شاید یک بار در زندگی‌ام پیش بیاید تا... نشان دهم که حقوق بشر مفهومی والاتر از هر چیز دیگری است.»* **— جان دو سوم**
>
> *در توصیف حس ترس از تعقیب ثابتی: «...وقت آهویی خود را از دهان گرگ نجات می‌دهد، برنمی‌گردد که دنبال گرگ بگردد.»* **— جان دو دوم**

چرا این حکم برای حقوق بشر در ایران اهمیت دارد

- **عدالت برای همه دوران‌ها.** این حکم به رسمیت می‌شناسد که افراد شکنجه‌دیده در دوران شاه پنج دهه است که از دسترسی به عدالت محروم بوده‌اند، زیرا سرکوب در ایران هرگز متوقف نشده است. شکنجه، چه در دوران شاه ارتکاب یافته باشد و چه در جمهوری اسلامی، جنایتی است که باید درباره آن پاسخگویی وجود داشته باشد و عدالت نمی‌تواند گزینشی باشد.

- **حفظ حقیقت و سوابق تاریخی.** دهه‌هاست که کسانی که در دوران ساواک رنج کشیدند به رسمیت شناخته نشده‌اند. اکنون حکم یک دادگاه آمریکایی روایتی مکتوب از نقض حقوق توسط ساواک ارائه می‌دهد، آن هم در زمانی که تلاش‌هایی برای تطهیر آن تاریخ صورت گرفته است.
- **راهی به سوی عدالت در خارج از ایران.** شکنجه‌دیدگان در حال حاضر نمی‌توانند در داخل ایران به دنبال عدالت باشند. چنان‌که دادگاه یادآور شد، از آنجا که ثابتی در آمریکا است، دادگاه‌های آمریکا می‌توانند تضمین کنند که «برخی از فجیع‌ترین موارد نقض حقوق بشر» ناشنیده نمانند.
- **امید امروز برای شکنجه‌دیدگان.** ایرانیان در داخل و خارج از کشور با این پرسش روبه‌رو هستند که چگونه با دهه‌ها خشونت حکومتی روبه‌رو شوند. این پرونده نشان می‌دهد که مسئولان شکنجه نباید به دلیل گذشت زمان یا ماهیت حکومتی که به آن خدمت کرده‌اند از عدالت بگریزند. برای کسانی که امروز از نقض حقوق بشر در ایران رنج می‌برند، این پرونده نشانه‌ای است که عدالت ممکن است.

گام‌های بعدی

- **گردآوری ادله.** پرونده اکنون به مرحله‌ای وارد می‌شود که در آن هر دو طرف ادله مربوط به ادعاهای شکنجه شاکیان، از جمله اسناد و شهادت شاهدان، را گردآوری و با یکدیگر مبادله می‌کنند تا برای محاکمه آماده شوند. خواهان‌ها باید ادعاهای خود را ثابت کنند و ثابتی فرصت پاسخگویی خواهد داشت.
- **محافظت از شکنجه‌دیدگان.** نام شاکیان همچنان محرمانه می‌ماند. هویت آنان تنها بر اساس قواعد سختگیرانه‌ای که دادگاه تعیین کرده در اختیار ثابتی قرار خواهد گرفت. دادگاه هشدار داده است که هرگونه نقض این قواعد را بسیار جدی خواهد گرفت.
- **تعیین جدول زمانی.** طرفین جدول زمانی پیشنهادی را به دادگاه ارائه کرده‌اند که زمان‌بندی گردآوری ادله و محاکمه را تعیین خواهد کرد.

اطلاعات بیشتر: متن حکم را اینجا بخوانید | صفحهٔ پرونده و پرسش‌های متداول: cja.org/what-we-do/litigation/doe-i-v-sabeti | تماس رسانه‌ای: الا متیوز (ematthews@cja.org) | مؤسسهٔ حقوقی Foley Hoag LLP و مرکز عدالت و پاسخگویی (CJA) به‌صورت داوطلبانه (pro bono) وکالت شاکیان را بر عهده دارند.